

# بررسی احتمال ظهور مجدد اوپک

ناصر فرشادگهر<sup>۱</sup>

این گفتار به گونه‌ی فشرده به شیوه‌های برطرف نمودن کاستی‌ها و فزونی بخشیدن به توانایی اوپک اشاره خواهد کرد. شناسایی فراسنجه‌هایی که در هستی پیدایش و فراز و نشیب اوپک، در درازنای ۴۰ سال زیست آن نقش داشته است؛ ما را در راستای نیل به سمت و سوی آرمانی رهنمون خواهد نمود. چه همان گونه که در روش پژوهش علمی مرسوم است؛ با تعیین "وضعیت موجود" یک پرسمان (مسأله) و دستیابی به وضعیت مطلوب‌شدنی خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

این فراز بر آن است تا بر مبنای "اصول و اهداف سیاست خارجی کشور و بهره‌گیری از توان بالقوه اوپک به چگونگی قدرت‌یابی اوپک در آستانه قرن ۲۱" بپردازد. پیش از هر چیز شایسته است اشاره‌ای به عوامل مؤثر در پیدایش اوپک گردد تا از این راه به شناخت فراسنجه‌های آغازیدن هستی اوپک پرداخته شود. در شکل‌گیری سازمان اوپک عوامل بسیاری نقش داشته است که می‌توان آنها را در دو دسته عوامل سیاسی - حقوقی و اقتصادی بخش‌بندی نمود. به بیان آشکارتر گرچه عامل کاهش بهای نفت<sup>(۲)</sup> در سال ۱۹۶۰ دلیلی گردید که کنفرانس بغداد در سپتامبر آن سال تشکیل گردد و همین گردهم‌آیی زمینه‌ی پیدایش سازمان بین‌الدول به نام اوپک شد اما عوامل سیاسی - حقوقی شرط لازمی بودند که مکمل عوامل اقتصادی گردید. چه آنکه هر گاه سیاست قیمت‌شکنی نیز از سوی شرکت‌های چندملیتی اعمال نمی‌گردید؛ دیر یا زود اوپک به پیدایی می‌رسید.<sup>(۳)</sup>

۱. دکتر ناصر فرشادگهر، استادیار دانشکده امور اقتصادی - معاون پژوهشکده‌ی امور اقتصادی است.

از آنجا که در فرایند تشکیل اوپک عوامل فراوانی مطرح بوده‌اند؛ مهم‌ترین عواملی که شکل اوپک را امکان‌پذیر ساخت، یادآور خواهیم شد که شرایط استعماری عهدنامه‌های امتیاز، دستیابی به عهدنامه‌های ۵۰-۵۰، رشد آگاهی نفتی در طبقه تکنوکرات نفتی، زمینه‌های همکاری‌های متقابل، خیزش‌های ضداستعماری، سیاست نفتی ایالات متحده و سیاست نفتی اتحاد جماهیر شوروی، از جمله فراسنجه‌های ارزشمند این پرسمان می‌باشند.

در واقع پیدایش اوپک را می‌توان فرآورده به کارگیری عواملی مناسب پیدایش قدرت توسط دول مؤسس در شرایط مناسب دانست. چه هموندان پایه‌گذار با بهره‌گیری از متغیرهای همگرایی و یگانگی سیاسی، مقاومت یا پایداری در برابر کشورهای صنعتی و شرکت‌های چند ملیتی، رهبری شایسته‌ی مردانی هم‌چون آلفونسو، مهارت دیپلماتیک هموندان سازمان در کنگره قاهره و بغداد، یگانگی سرنوشت آنها در مواردی چون استعمارزدگی، اوج‌گیری خیزش‌ها و رستاخیزهای نفتی، در اختیار داشتن سهم بزرگی از معادن نفتی جهان (۶۷٪ ذخایر جهانی نفت). دارا بودن سهم ۳۸٪ از کل تولید جهانی نفت و ۹۰٪ بازار جهانی نفت<sup>(۴)</sup> همانندی در اقتصاد پیشاصنعتی و غیره، ترکیبی مناسب از فراسنجه‌های سیاسی-حقوقی و اقتصادی را کنار یکدیگر نهاد و سازمان را به پیدایی رسانیدند. پرزآلفونسو نیز در نقش پدید آورنده و یکی از پیش‌آهنگان این سازمان، به قدرت مهارت دیپلماتیک چنین اشاره می‌نماید: "حاصل این گفت‌وگوها (میان ایران- ونزوئلا، کنگره نفتی اعراب در سال ۱۹۵۹) تدارک یک توافقنامه شرافتی بود که هسته‌ی پیدایش سازمان اوپک گردید."<sup>(۵)</sup>

در پیوند با شرایط استعماری عهدنامه‌های امتیاز کافی است به بیدادگرانه بودن، اگرچه آمیز بودن دستیابی به حق کامل کانسارایی در پهنه‌ی گسترده، تعیین منطقه‌ی عملیات، استخدام کارکنان بیگانه، معافیت از حقوق گمرکی، پرداخت حق‌الامتیاز ناچیز به کشورهای میزبان اشاره نمود. همین شرایط بود که توانی بالقوه را برای رویارویی با جهان صنعتی و شرکت‌های چندملیتی در اختیار کشورهای میزبان قرار داده بود.<sup>(۶)</sup>

دستیابی به پیمان‌های ۵۰-۵۰ نیز از نخستین دستاوردهای پیکار کشورهای میزبان با شرکت‌های چندملیتی بود چراکه ونزوئلا از سال ۱۹۴۳ شیوه‌ی پیمان‌های امتیاز را در هم ریخته و سهم خود را به ۵۰ درصد افزایش داد و چنین بود که افسانه‌ی شکست‌ناپذیری قدرت غول‌های

نفتی در هم شکست.<sup>(۷)</sup>

قدرت افزایش آگاهی، طبقه تکنوکرات نفتی، که به دلیل تجربه یا آموزش با صنعت، اقتصاد و حقوق نفت آشنا شده بودند و بعدها رهبری جنبش‌های نفتی را به عهده گرفتند؛ نمی‌توان از یاد برد. در این میان زمینه‌های همکاری متقابل،<sup>(۸)</sup> خیزش‌های ضداستعماری مانند آنچه در مکزیک و ونزوئلا در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰، ملی شدن نفت در ایران، بحران کانال سوئز به وقوع پیوست. سیاست نفتی ایالات متحده امریکا مبنی بر محدودیت واردات نفت، سیاست نفتی اتحاد جماهیر شوروی مبنی بر افزایش بها، شرایط مناسبی را برای پایه‌گذاران اوپک فراهم ساخت.<sup>(۹)</sup>

بر بنیان آنچه تاکنون آورده شد؛ اوپک محصول شرایط جهانی، منطقه‌یی و داخلی زمانه‌ی خود می‌باشد. از آنجا که حقایق در شرایط شناورند؛ اوپک نیز ناشی از بهره‌گیری مناسب هموندان از شرایط یاد شده می‌باشد. اگر هموندان اوپک قادر بوده‌اند که از نیروی درونی و شرایط برونی استفاده کنند و سازمانی برای نگاهبانی از منابع گروهی‌شان پدید آورند؛ بقاء و قدرت پایی اوپک پس از ۴ دهه امری ناممکن نیست. به ویژه آنکه سازمان‌های بین‌المللی جهان در راستای پرتوان شدن ره می‌پیمایند و پیروزی اروپا در پیدایی "یورو" گواه و شاهدی ارزنده می‌باشد. کافی است، مروری بر دگرگونی‌های اوپک، نوسانات و رازمان (نظام) نوسانات شناخته شده‌ی اوپک صورت پذیرد تا نقاط ناتوانی و توانایی اوپک شناسایی گردد.

برخی از دانشوران دگرگونی، ناتوانی و توان و قدرت اوپک را در گرو جهات ایدئولوژیک و ساختاری کشورهای عضو و نیز جهان ژئوپولیتیک و متغیرهای خارجی و درونی مؤثر بر آن می‌دانند، در پیوند با جهات ژئولوژیک و ساختاری به جمعیت و میزان ذخائر هر یک از کشورهای عضو که یگانگی و در برابر تفرقه را ایجاد خواهد نمود؛ اختلافات ایدئولوژیک و مواضع سیاسی، عمر ذخائر و نقش آنها در تأمین انرژی در جهان و غیره پرداخته‌اند.<sup>(۱۰)</sup>

از دیدگاه ژئوپولیتیک و متغیرهای برونی و درونی نقشمند، عوامل زیر یادآور شده

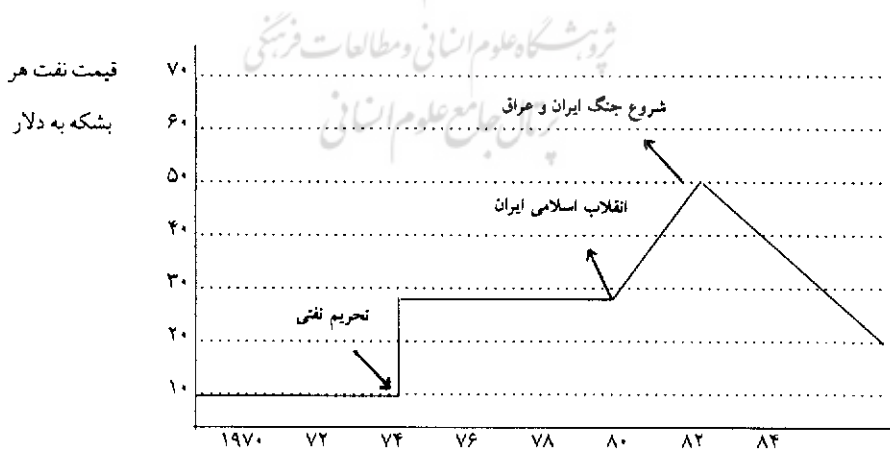
است:

۱. عوامل سیاسی؛

۲. عوامل اقتصادی (غرضه و تقاضا)؛

۳. زمینه صدور نفت؛
  ۴. روند تحولات بهای نفت در بازار جهانی؛
  ۵. ارزش برابری دلار با ارزهای دیگر و تعیین بهای نفت به دلار با یک سبد ارزی؛
  ۶. عوامل فرهنگی (عوامل ایدئولوژیک و پیامدهای آن در مناطق نفت خیز)؛
  ۷. چگونگی کشف منابع جدید انرژی به ویژه نفت و گاز؛
  ۸. چگونگی دگرگونی‌های مربوط به فن آوری؛
  ۹. دگرگونی‌های تولید کشورهای بیرون از اوپک و چگونگی همکاری با اوپک؛
  ۱۰. وضعیت صادرات خالص کشورهای با اقتصاد متمرکز پیشین؛
- براین اساس توان و انسجام اوپک، سستی و عدم کارآیی اوپک، از هم پاشیدگی و انحلال اوپک در گرو عوامل بالا بررسی و تحلیل می‌گردد.

در چارچوب این پردازش، فراسنجه‌های سیاسی از دیرباز دگرگونی‌های بهای نفت را به گونه‌ای مستقیم و یا غیرمستقیم زیر پیگرد داشته است. چرا که منطقه خاورمیانه بیشترین میزان کانسارهای جهان را در خود جای داده است؛ لذا کوچک‌ترین تحول سیاسی توان تأثیر در تولید، عرضه و بهای نفت را در بازار جهانی با شتاب فراوان خواهد داشت. نمودار زیر پیامدهای رویدادهای سیاسی را در برشگاهی از زمان نشانگر است. (۱۱)



همان‌گونه که در نمودار مشاهده می‌گردد، جنگ اعراب و اسرائیل تحریم نفتی اعراب، آغاز انقلاب اسلامی در سیر شتابنده تأثیر داشته و در برابر اختلافات درونی اوپک در سال ۱۹۸۶، شتاب فروکش بها را شدت بخشید. بنابراین هرگاه کشمکش‌های درون اوپک و میان هموندان اوپک کاهش یابد، این سازمان می‌تواند یکی از وزنه‌های قدرت خود را به دست آورد. بهای نفت در این شرایط از دیدگاه صاحب نظران به صورت پرش‌های کوتاه مدت و بالا رونده خواهد بود. در واقع اگر سازمان به دو یا چند قطب بخش گردد؛ احتمال این که قدرت آن به سود کشورهای اوپک (OPEC) حرکت نموده و امکان گردهم‌آیی نیز از سازمان ساقط گردد خواهد بود. (۱۲)

یکی از عوامل بالقوه قدرت اوپک متغیرهای سیاسی می‌باشد. (۱۳)

عوامل اقتصادی مانند محاسبات انجام شده بر روی سهم مصرف نفت در بازار جهانی آینده، سهم صادرات نفت خام اوپک، پیش‌بینی عرضه و تقاضای نفت خام، وجود ظرفیت اضافه تولید در بازار جهانی نفت در پیوند با قدرت اوپک مؤثر خواهد بود. در یک کلام همبستگی اوپک در تنظیم سهمیه‌ی اوپک می‌تواند نقش مؤثری در عوامل اقتصادی داشته باشد.

امنیت صدور نفت با توجه به آنچه در وقایع سال ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و غیره پیش آمده یکی از متغیرهایی است که برای هموندان اوپک یکی از عناصر بکارگیری قدرت در برابر جهان مصرف‌کننده می‌باشد. کشورهای بیرون از اوپک مانند یمن، مصر و همچنین خط لوله نفت عربستان و خط لوله عراق - عربستان که از دریای سرخ می‌گذرد، اهمیت سوق‌الجیشی مناطق استراتژیک را مشخص خواهد کرد.

بالا گرفتن ناامنی در جریان نفت از خلیج فارس و تسلیم کشورهای این منطقه در برابر یکدیگر که سبب تشدید بحران‌ها و از میان رفتن هرگونه تفاهم در پیمان‌های میان هموندان را سبب خواهد شد، سازمان اوپک را که بنیانی‌ترین نهاد اقتصادی برای همکاری میان اعضای سازمان در راستای تأمین منافع حیاتی آنان است، دچار نابسامانی و تزلزل خواهد نمود، در صورتی که دیدگاه راهبردی برخی از هموندان و یا قدرت‌های پشتیبان آنها در زمینه پیمان‌های منطقه از منافع اقتصادی حاصل از عملکرد سازمان اوپک فراتر رود و برخوردهای نظامی میان هموندان فزونی یافته، سازمان اوپک نخواهد توانست به زیست خود تداوم بخشد و از هم پاشیده خواهد شد. (۱۴)

روند دگرگونی بهای نفت در بازار جهانی نفت در گذشته و آینده نماد قدرت و توانایی سازمان اوپک بوده است. چراکه بر مبنای اساسنامه، هدف اصلی سازمان اوپک تعدیل بهای نفت بوده است. دگرگونی بهای نفت به جز عواملی مثل تولید کشورهای بیرون از اوپک، بهره‌گیری از اکتشافات نفتی در کشورهای هموند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، صرفه‌جویی کشورهای مصرف‌کننده و غیره به سهم تولید اوپک در جهان بستگی دارد که می‌تواند یکی از عوامل قدرت اوپک باشد.

ارزش برابری دلار و ارزهای دیگر و تعیین بهای نفت به دلار و یا یک سبد ارزی نیز می‌تواند آینده قدرت اوپک را مشخص نماید. چنانچه در تصمیم‌گیری آینده اوپک تغییر پایه محاسبه بهای نفت از دلار به سبد ارزی، اس، دی، آر<sup>(۱۵)</sup> مورد تصویب و عمل قرار گیرد این امر می‌تواند در تثبیت درآمد کشورهای هموند و قدرت خرید یا اقتصادی آنها مؤثر واقع شود و از دیدگاه سیاسی به همگرایی یا قدرت سیاسی اوپک همراهی نماید.<sup>(۱۶)</sup>

عوامل فرهنگی مانند پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی می‌تواند وزنه‌ی مناسب در تصمیم‌گیری‌های اوپک باشد. لذا تقویت فرهنگ مشترک آسیایی - اسلامی از نکات همگرا و عناصر تقویت‌کننده‌ی این سازمان بوده است. اشتراکات فرهنگی خود در نقش میانه و پلی برای برقراری جریان‌های فکری و برخورد اندیشه‌ها در راستای نیل به تفاهم و وحدت بیشتر می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

چگونگی کشف منابع نوین انرژی به ویژه نفت و گاز و انرژی‌های جانشین شونده، عاملی بالقوه در راستای احتمال افزایش قدرت یا کاهش قدرت اوپک باشد. براساس پیش‌بینی‌های گوناگون سهم نفت در میان سایر انرژی‌ها حدود ۳۸ تا ۴۱ درصد خواهد بود.<sup>(۱۷)</sup> پژوهش‌های انجام شده بر روی انرژی کشف شده‌ی موجود اعم از تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر، هیچ‌گونه نشانه‌ی از کاهش اهمیت نفت به منزله‌ی عمده‌ترین منبع تأمین انرژی به همراه ندارد. چگونگی تحولات تکنولوژیک و میزان توانایی در اکتشاف و بهره‌برداری از نفت، به ویژه نفت خام در بهای نفت و میزان تصمیم‌گیری اوپک و مانور قدرت این سازمان نقش خواهد داشت، چگونگی همکاری اوپک با کشورهای بیرون از اوپک و میزان جذب و همگرایی با آنها و در نهایت میزان صادرات نفت کشورهای با اقتصاد متمرکز پیشین نیز در احتمال کاهش و افزایش

قدرت اوپک نقش دارد.

با رویکردی دیگر می‌توان دلایل درونی و برونی کاهش قدرت اوپک را که به چالش با توان اوپک می‌پردازد، بررسی نموده و از این راه با از میان بردن این دلایل احتمال افزایش توان اوپک را پی جوئید. به بیان روشن‌تر میان کاهش توان اوپک به ویژه از پی سال‌های ۱۹۸۱ و تمامی متغیرهای درونی و برونی یک پیوند علت و معلولی وجود دارند. این نمونه از متغیرهای مستقل در کنار یکدیگر و زنجیره‌وار قرار گرفته و توان اوپک را تحت تأثیر قرار می‌دهند. گرچه ممکن است همه‌ی آنها سهم برابری در فرایند پدید آمده، نداشته باشند و برخی از آنها نفوذی سرنوشت سازتر را ایفاء نمایند، اما در این گفتار با اشاره‌ی مختصر به آنها در پی استفاده از ظرفیت‌های بالقوه اوپک خواهیم بود.

متغیرهای برونی برشگاه یاد شده عبارتند از:

سیاست‌های آژانس بین‌المللی انرژی، سیاست‌های نفتی ایالات متحده آمریکا، سیاست‌های نفتی اتحاد جماهیر شوروی سابق، سیاست‌های نفتی چین کمونیست، سیاست‌های نفتی نروژ و بریتانیا، نقش کارتل‌ها در سیاست جهانی نفت، نقش کشورهای نفت خیز در حال توسعه بیرون از اوپک.

متغیرهای درونی مؤثر نیز می‌توانند عواملی مثل اعطای تخفیف در دادوستد نفتی از سوی هموندان، افزایش معاملات تک محموله نفتی، افزایش فروش نفت به شیوه‌ی پایاپای، افزایش صدور گاز، ضعف فن‌آوری اعضا، بی‌ثباتی سیاسی کشورهای عضو، ناهمگونی ساختارهای سیاسی - حقوقی کشورهای هموند سازمان، توسعه نیافتگی سیاسی - اقتصادی کشورهای عضو، تعارضات ایدئولوژیک و غیره باشد.

### سیاست‌های آژانس بین‌المللی انرژی

گرچه بسیاری از موارد یاد شده در نوشتارهای گوناگون اشاره شده و یا خواهد گردید؛ در این گفتار از تکرار موارد یاد شده خودداری خواهد شد. نقش آژانس بین‌المللی انرژی در کاهش قدرت و توان اوپک را نمی‌توان به عنوان نخستین عامل از یاد دور داشت. آژانس در واقع طرح آمریکا و سایر باختریان بود که از قدرت‌یابی اوپک پس از سال‌های ۱۹۷۳ جلوگیری نماید. این

سازمان که در چارچوب سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به سال ۱۹۷۴ به هستی آمده بود؛ اهداف اساسی‌اش، برقراری همکاری میان اعضا در زمینه‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی، بهره‌گیری اقتصاد و ارتباط سیستم با شرکت‌های نفتی، افزایش همکاری با کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت، تنظیم یک برنامه توزیع عادلانه نفت میان اعضا به هنگام شرایط اضطراری بود که می‌توان آن را در سه قالب زیر جای داد:

۱. صرفه‌جویی در مصرف نفت و جایگزینی سایر منابع انرژی؛

۲. افزایش اکتشافات نفتی در کشورهای صنعتی بیرون از اوپک؛

۳. بکارگیری ذخیره‌سازی استراتژیک نفت؛

آژانس با بهره‌گیری از این سه اهرم تلاش کرد وابستگی خود را به نفت اوپک متعادل نموده و قدرت مانور و چرخش گسترده اوپک را در سیاست جهانی نفت محدود نمایند.<sup>(۱۸)</sup> اگر هموندان اوپک استراتژی سازمانی خود را در راستای از میان بردن و خنثی‌سازی این اهداف تنظیم نمایند، دشمنی توانا را همواره در پیش روی دارند.<sup>(۱۹)</sup>

### سیاست انرژی آمریکا

سیاست انرژی ایالات متحده نیز فراسنجه‌ای دیگر است که در افت و خیز توانایی اوپک به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم نقش داشته است. دیوید پنتر<sup>۱</sup> استاد دانشگاه جرج تاون سیاست انرژی آمریکا را در برشگاه‌های تاریخی گوناگون زیر بازتاب عواملی مثل کارت‌های نفتی، میزان ذخایر داخلی آمریکا، پرسمان امنیت ملی می‌پندارد. پروفیسور بال برگ متغیرهای میزان وابستگی آمریکا به واردات نفت، نظام بین‌المللی، میزان توانایی آمریکا، شرایط امنیت ملی و جهانی آمریکا را عوامل تأثیرگذار در سیاست انرژی آمریکا می‌داند.<sup>(۲۰)</sup>

آمریکا با در نظر داشتن این که بازرگانی نفت شاخه‌ای پرسود برای شرکت‌های نفتی است؛ نفت خوراک اقتصاد صنعتی کشوری چون آمریکا است که با ۶ درصد جمعیت جهانی، ۶۰ درصد سود جهانی را از آن خود ساخته است؛ آمریکا چه ثبات و توانایی اوپک، چه تنش‌زدایی و عدم توانایی اوپک را باید در راستای برنامه‌های اقتصادی - سیاسی و نظامی یارانش در پهنه‌ی

1. David Panter



بین‌المللی تنظیم نماید چرا که سلطه‌ی اقتصادی تنها در پناه شمشیر شدنی است. و بالاخره رقابت‌های درون جهان سرمایه‌داری مانع از آن نبوده است که آمریکا در نقش یک ابرقدرت در مورد منافع خویش حساسیت نشان ندهد. از همین روی با بهره‌گیری از طرح‌های اقتصادی مانند آژانس بین‌المللی انرژی، جذب دلارهای نفتی، طرح‌های سیاسی - نظامی مانند دخالت در کودتای ۲۸ مرداد ایران، تحمیل ساختار کنسرسیومی بر ایران، تعیین ایران و عربستان به منزله دو ستون نظامی و مالی در منطقه، شتاب دادن به سرمایه‌گذاری‌های نظامی در عربستان و کویت، گسیل نیروی دریایی تا استمرار بدون وقفه نفت را نگاهبان باشد؛ بر تولیدکنندگان منطقه چیره و نگاهبان گردد؛ افزایش وابستگی‌های نظامی، تصمیماتی در منطقه فراهم آورد؛ تا از این راه هموندان اوپک را در اختیار خود داشته باشد. بدیهی است آمادگی اوپک در برابر سیاست‌های آمریکا، احتمال مقتدر بودن اوپک را در یک چنین شرایطی فراهم می‌سازد. آشنایی با فراسنجه‌های بهره‌گرفته شده توسط آمریکا، اوپک را توانایی بیشتری خواهد بخشید که تصمیماتی عقلایی اتخاذ نماید. (۲۱)

### سیاست نفتی روسیه

سیاست نفتی روسیه و کشورهای استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی سابق، خود خطری بالقوه برای اوپک می‌باشد؛ چرا که مجموعه‌ی این کشورها به فروش نفت، کسب ارز و راه‌های مطمئن فروش نفت به بازار جهانی می‌اندیشند. سیاست کشور آذربایجان در برابر ایران و پذیرش کنسرسیومی از کشورهای بیگانه، طرح‌های انتقال نفت از طریق لوله مانند باکو - جیحان نمونه‌ای از سیاست این نمونه از کشورهاست که کم‌وبیش اعمال می‌گردد. گرچه اوپک تاکنون در تلاش بوده است که به جذب روسیه و همکاری با این کشور پردازد، اما زمینه این همکاری‌ها با کشورهای دیگر مستقل مشترک‌المنافع کم بوده است در پیوند با چین نیز به‌عنوان یک کشور با اقتصاد متمرکز، سیاست کسب درآمد ارزی با شیوه فروش نفت مشاهده می‌شود. (۲۲) در پیوند با موارد یاد شده بهینه‌ترین راهبرد اوپک همسو نمودن سیاست‌های آنها با اوپک و یا ایجاد یک مناسبات نزدیک میان این‌گونه کشورها و اوپک است که دلایل اقتصادی آنها را به رقابت با اوپک واداشته است.

### سیاست نفتی بریتانیا

سیاست نفتی بریتانیا با توجه به پیشینه تاریخی حضور انگلیس در ایران و منطقه و در نقش یکی از تولیدکنندگان بیرون از اوپک و هموندان آژانس بین‌المللی انرژی بسیار قابل تعمق است. چراکه این کشور صرفاً به دلایل اقتصادی در بازار جهانی نفت به تلاش بر نمی‌خیزد. کشور نروژ شریک انگلیس در نفت دریای شمال به مراتب نگرانی‌های اقتصادی بیشتری دارد. گرچه نروژ نیز مایل است از سیاست‌های آژانس پیروی نماید به دلیل فقدان ذخائر عظیم نفتی پیکار جوی قدرتمندی نیست.

### سیاست نفتی جهان سوم

در پی بحران ۱۹۷۳ و افزایش قیمت نفت، گروهی کشور تولیدکننده نفت که عمدتاً از جهان سوم می‌باشند، بازار جهانی را تحت تأثیر قرار دادند. کشورهایی چون مصر، عمان، بروئی، آنگولا، برزیل، هندوستان و مکزیک در این ردیف جای می‌گیرند. آنچه مسلم است این که سیاست این گروه از کشورها گرچه در کوتاه‌مدت سبب کاهش قدرت بازرگانی، مالی، پرستیژ وحدت سیاسی و همگرایی اوپک می‌گردد؛ در درازمدت چندان پایدار نمی‌باشد. چراکه میزان ذخایر نفتی آن‌ها در مقایسه با اوپک بسیار اندک می‌باشد و توان رقابت با اوپک را تا دهه‌های آینده نخواهند داشت. شاید همگرایی و جذب این گروه از کشورها برای سازمان اوپک میسرتر از سایر رقبا باشد، چراکه اکثر این کشورها دارای فصل مشترک فرهنگی، تاریخی به‌ویژه پرسمان شوم استعمار می‌باشند. همگرایی با آن‌ها هم به سود اوپک و هم در راستای منافع کشورهای بیرون از اوپک می‌باشد.

سیاست نفت کارتل‌ها، نفوذ و دخالت‌شان در رازمان‌های سیاسی کشورهای میزبان، گسترش فرهنگ رشوه‌خواری و غارت منابع نفتی کشورهای میزبان از کلاسیک‌ترین سیاست‌هایی است که این شرکت‌ها از آغاز در اختیار داشته‌اند. هنوز نیز با توجه به تجربه، در اختیار داشتن فن‌آوری، سرمایه کافی، تسلط بر بازارهای نفت، برخی از متغیرهای قدرت را در بازار جهانی بدست گرفته‌اند.<sup>(۲۳)</sup> اما به دلیل محروم بودن از منابع نفتی یکی از مهم‌ترین عوامل قدرت را در اختیار نگرفته‌اند. سیاست‌های آنها در راستای سیاست‌های آژانس و قدرت‌های

بزرگ صنعتی می‌باشد. تنها راه رقابت با این شرکت‌ها افزایش قدرت تکنولوژیک و سرمایه‌ی شرکت‌های نفتی دول میزبان می‌باشد.

### دلایل درونی کاهش دهنده‌ی قدرت اوپک

دلایل درونی کاهش دهنده‌ی قدرت اوپک را می‌توان در اعطای تخفیف در دادوستد نفتی هموندان، عدم رعایت سهمیه‌های اختصاصی، افزایش دادوستد تک محموله، دادوستد پایاپای نفت، اقدام به افزایش صدور گاز، ضعف فن‌آوری نفتی، ناهمگونی در ساختارهای سیاسی، حقوقی، ایدئولوژیک، مشکلات ساختاری - سیاسی اعضای اوپک، بی‌ثباتی و تنش‌های موجود در مناسبات اعضا پی‌جویی نمود.

سیاست اعطای تخفیف، طبق قطعنامه دسامبر ۱۹۷۰ سازمان اوپک مورد بررسی قرار گرفته و هموندان درخصوص عدم اعطای تخفیف به توافق رسیده‌اند. کاربرد این سیاست نشان از تعارض میان همگرایی در سازمان با منافع مشترک هموندان با منافع ملی اعضا دارد. اقدام به تخفیف عنصری واگراست که سبب ناتوانی و تعارض مناسبات کشورهای عضو می‌شود و وابستگی متقابل را کاهش داده و یگانگی و مشارکت سازمانی را نیز به تدریج سست می‌نماید.

عدم رعایت سهمیه‌های ملی از اصولی‌ترین اهداف سازمان اوپک بوده است، چراکه بر مبنای اساسنامه هدف اصلی اوپک هماهنگ ساختن سیاست‌های نفتی کشورهای عضو و تعیین مناسب‌ترین شیوه برای نگاهبانی از منافع فردی و گروهی هموندان بوده است. در هشتمین کنفرانس اوپک در سال ۱۹۶۵ گام‌های مثبتی در این پهنه برداشته شد. در نهمین نشست در همان سال، نخستین جدول سهمیه‌بندی تنظیم گردید که با مخالفت برخی از کشورها مواجه شد. رویدادهای دهه هفتاد و افزایش بهای نفت و قدرت جذب نفت در بازار مسأله‌ی سهمیه‌بندی را به فراموشی سپرد. آزمون‌های سال‌های پیشین به‌ویژه به هنگام نابسامانی و وجود تنش‌های سیاسی در درون سازمان این پرسمان بنیانی را به فراموشی سپرده است. هموندان خویش‌کاری (وظیفه) خود را در برابر اساسنامه سازمان از یاد برده‌اند. شاید بتوان گفت در پی توافق ایران و عراق و فروکش نمودن تنش‌های ایران و عراق و کاهش تعارضات ناشی از جناح‌بندی‌های کشورهای عربی در درون سازمان، زمینه‌ی برای باورمندی اعضا به نگاهبانی از تعهدات خود در

قیال نظام سهمیه‌بندی (از سال ۱۹۸۸) فراهم آمده است. در آستانه‌ی سال ۲۰۰۰ طبق برآوردهای اوپک سهمیه‌شکنی اعضا حدود یک میلیون بشکه بوده است.

عدم رعایت سهمیه‌ها چه ناشی از نیازهای اقتصادی هموندان و چه ناشی از رقابت‌های سیاسی با یکدیگر و وابستگی آنها به دول قدرتمند صنعتی باشد؛ تنها ضربه‌ی بر پیکره‌ی آسیب‌پذیر سازمان خواهد بود. عدم اجرای این سیاست، تفاهم، انسجام سیاسی، همگرایی، همگونی، پرستیژ سیاسی - سازمانی سازمان را کاهش خواهد داد. یگانه راه جلوگیری از این پیامدها وجود یک سازوکار قدرتمند در راستای کنترل تولید کشورهای عضو می‌باشد.

دیگر عنصر واگرا در همدلی و همبستگی میان هموندان اوپک به کارگیری دادوستد تک محموله‌ی نفت است. دادوستد تک محموله‌ی نفت که در واقع ابزاری برای رفع نیازهای فوری مصرف‌کنندگان نفت می‌باشد. همانند دیگر عناصر دوران اوپکی، ضربه‌ی مشترک است بر اساسنامه و بقای سازمان<sup>(۲۴)</sup> قدرت اوپک در گروه قدرت سیاسی - اقتصادی اعضای آن می‌باشد. تا هنگامی که شمار فراوان اعضای اوپک بی‌بهره از برنامه‌های درازمدت اقتصادی به فروش روزمره بپردازند؛ به آسیب‌پذیری اوپک یاری فراوانی رسانده‌اند. سهل‌الوصول بودن نفت در بازار جهانی، قدرت دیپلماتیک و مانور بازرگانی سازمان اوپک را نیز خواهد کاست.

دادوستد پایاپای نفت نیز نه تنها ریشه در بازار جهانی دارد بلکه خود عنصری است که سبب ناپایداری بازار جهانی خواهد شد. دادوستد پایاپای نفت هم سبب کاهش بهای رسمی اوپک گردید، و هم محدوده انتخاب اعضای اوپک را در پیوند با کالاهای مورد نیاز و کیفیت آن محدود می‌سازد. هنگامی سازمان اوپک می‌تواند قدرت چانه‌زنی مناسب در بازار جهانی را داشته باشد که رابطه‌ی مبادله کاملاً مشخص بوده، و طرفین به یک میزان داد و ستد خود مطلوبیت بدست آورند. به هر تقدیر این نمونه از فروش نفت مفهومی جز بی‌اعتبار نمودن اساسنامه‌ی اوپک نمی‌باشد.

پیشتر در گفتار آژانس بین‌المللی انرژی اشاره گردید که بهره‌گیری از انرژی‌های جایگزین از اهداف اساسی کشورهای صنعتی باخترزمینی می‌باشد. از سوی دیگر سازمان اوپک در پیوند با صدور گاز اعضاء تدبیری مناسب نیندیشیده است. شاید اکنون زمان آن باشد که سازمان اوپک عرصه فعالیت خود را گسترده نموده و نظارت بر تولید و صدور گاز اعضا را نیز به

عاهده بگیرد. چرا که در زمانی نه چندان دور کشورهای بیرون از اوپک به رقابت چشمگیری در این زمینه از سوخت نیز با هموندان اوپک خواهند داشت.

در پیوند با ضعف فن آوری هموندان اوپک، شاید تاکنون سخن فراوان آمده باشد. یکی از اساسی‌ترین عناصر قدرت در جهان کنونی قدرت فن آوری (تکنولوژیک) می‌باشد. مورگنتا (۲۵) اندیشمند سیاسی باورمند است که هر دگرگونی در سلسله مراتب با پلکان صنعتی هر کشور به مفهوم دگرگونی در جایگاه قدرت سیاسی آن کشور است.

قدرت ذخائر عظیم نفت اوپک زمانی مفهوم واقعی خواهند داشت که عنصر فن آوری بهره‌برداری از آن نیز فراهم باشد. دعوت عربستان از شرکت‌های نفتی عمده جهان مانند بی‌پی، اموکو، توتال، انی، فیلیپین، اگزان، موبیل، تکراکو، کونوکو و غیره برای فعالیت در زمینه صنعت هیدروکربن در این کشور مفهومی جز فقدان سرمایه و فن آوری مناسب نخواهند داشت. (۲۶)

ناهمگونی در ساختارهای سیاسی - حقوقی، ایدئولوژیک، مشکلات ساختاری اعضا اوپک، بی‌ثباتی و تنش‌های موجود در مناسبات میان اعضا نیز از فراسنجه‌های سیاسی کاهش قدرت اوپک می‌باشند.

#### نتیجه

سازمان اوپک می‌تواند با از میان برداشتن موانع درونی و همبستگی و همدمی میان هموندان قدرت سازمانی خود را در جامعه جهانی بیفزاید. آزمون همبستگی اعضا در دو سال گذشته و افزایش بهای نفت تا مرز ۳۵ دلار نشانگر چگونگی اعمال نفوذ یا قدرت اوپک در بازار جهانی است. کاهش داد و ستد تک محموله، برنامه‌ریزی در طرح‌های فروش گاز، رعایت سهمیه تعیین شده، عدم ارائه تخفیف در داد و ستد نفتی، پافشاری بر فروش قراردادی و قانونمند نفت، از میان برداشتن بی‌ثباتی‌ها و تنش‌های میان اعضا ایجاد بستر فرهنگی - سیاسی مناسب میان هموندان بی‌تردید احتمال قدرتمند شدن اوپک را افزایش خواهد داد.

بی‌تردید عناصر بیرونی مانند سیاست‌های باختریان مانند آژانس بین‌المللی انرژی، امریکا، بریتانیا، نروژ و کشورهای مثل چین، شوروی سابق (روسیه به علاوه کشورهای استقلال یافته جدید CIS)، کشورهای تولیدکننده نفت بیرون اوپک (به ویژه کشورهای پیش صنعتی) از

فراسنجه‌های تأثیرگذار بر قدرت اوپک بوده که برنامه‌ریزی کامل در پیوند با آنها ناممکن می‌باشد. لیکن آزمون‌های تاریخی گذشته شاهد بوده است که اوپک قدرتمند توانسته بر عناصر برون سازمانی تأمیزانی چیرگی یابد.



## یادداشت‌ها

۱. ناصر فرشادگهر، محمدحسن شهیدی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، (تهران: دانشکده‌ی امور اقتصادی، ۱۳۷۵) صص ۳۵-۳۱.
۲. در پیوند با نقش شرکت‌های چندملیتی به نوشتارهای زیر ر.ش:  
آنتونی سمپسون، هفت خواهران نفتی، برگردان از ذبیح‌ا. منصوری، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶)، ص ۸۱  
Paul horsnell, "Oil Company Histories", *The Journal of Energy hiterature*, Vol. V, No. 2, (Nov. 1999), pp. 3-32.
۳. ناصر فرشادگهر، بررسی قدرت اوپک در سیاست جهانی، (تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین "ع"، ۱۳۷۴)، ص ۳۴.  
۴. در پیوند با ارقام یاد شده ر.ش. به:  
فواد روحانی، تاریخ اوپک، برگردان منوچهر روحانی، (تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی)، ص ۱۰۳.
5. Perez Alfonso, "The Organization of Petroleum Exporting Countiures." *Monthly Bulletin*, No. 2, (1966), p. 36.
۶. جرج لنچافسکی، نفت و دولت در خاورمیانه، علی نقی علیخانی، (تهران: اقبال، ۱۳۴۲)، ص ۸۲،۶.
7. Abdul Amir Kubbah, *OPEC, Past and Present*, (Vienna: Petro- Economic Research).  
۸. محمد موحد، نفت ما و مسائل حقوقی آن، (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۳)، ص ۱۲۲.
9. Kubbah, *Loc. cit.*
۱۰. محمد سریر و مرتضی هاشمی، اوپک و دیدگاه‌های آینده، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹)، ص ۳۸.
۱۱. همان.
۱۲. در راستای بررسی گسترده پیرامون سازمان کشورهای صادرکننده نفت عربی، ر.ش. به:  
Abdelkard Maachou, *OAPEC and Arab Petroleum*, (Paris: Berger Levrault, 1982), p. 9.
۱۳. در راستای جنگ دوم خلیج فارس و بازتاب آن در بازار جهانی نفت ر.ش. به:

Jan Johnstone. *Aftermath of the Gulf War, An Asesment of UN Action*, (New York: Lyne Rynner Publisher, 1991). p. 15.

۱۴. سریر، پیشین، ص ۶۰.

۱۵. حسن گلریز، سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی، (تهران، مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۲)، ص ۷۷. حق برداشت مخصوص یا SDR یکی از مناسب‌ترین شیوه‌ها برای کاهش خسارت‌های ناشی از بازی با نرخ دلار یا ارزهای قدرتمند دیگر است.

۱۶. سریر، پیشین، ص ۷۵.

۱۷. همان، ص ۸۱.

۱۸. علیرضا حمیدی یونسی، "آزانس بین‌المللی انرژی" بررسی‌های بین‌المللی نفت، سال دوم، شماره دوم، (تابستان، ۱۳۶۸)، ص ۶۵.

19. Albert Danielsen. *The Evoloution of OPEC*, (New York: Harcouce Brace Javich Publishers, 1982), p. 216.

20. Bull Berg. "US International oil Policy, *Energy Policy*, (June 1988), p. 24.

۲۱. فرشادگهر و دیگران، "سیاست انرژی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه"، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸)، ص ۴۵.

22. Subroto, "Creating opportunities for China and OPEC to Cooperate in the global oil market", *OPEC bulletin*, Vol. XXV, No. 4 (April 1999), p. 4.

23. Norman Medvin, *The Energy Cartet, Who Runs The American oil Industry*, (New York: Ninatye Books, 1975), p. 166.

۲۴. مهیار امامی، فروش تک محموله و نقش آن در بازار جهانی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۸ (اردیبهشت ۱۳۶۷)، ص ۵۷.

25. James Edougler, RI, Pflatzgraff, *Contending Theories of International Relations*, (New York: Harper and Row Publishers, 1971), p. 60.

۲۶. روزنامه‌ی همشهری، ۱۳ تیرماه ۱۳۷۹، ص ۴.